

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Vanguard Woman

زن پیشتان

انجنیر روح افزا "نیستی"
کانادا – ۶ می ۲۰۱۱

به استقبال از هشت مارچ – "روز زن"

بَبُو

این جهان در ظلمت شبهای تار گم کرده ام
نه به یکبار و دوبار، باربار گم کرده ام
آخوند در کجا گفته خدا؟
نقش مرد در سنگ
نقش زن در هوا
بستی تهمت بر جان حوا
آدمی را ساخته او بینوا
خورد بر سر آدم
دانه گندم را به دو
تا فروشد
اولادش به جو
هزار و چهار صد سال شد
نگردید کهنه، نو
صد لعنت بر تو ای
آخوند گَو
تهمتی بستی به مادر
در خیال و خَو
ساختی از زن "ببو"
فرق نکردی بین گندم و جو
چشم بسته
خار و خس کردی درو
گفتی آدم را حوا

گفتی
از جنت بدو
گفتی
ناپاکی از
زلیخا مانده رواج
بر یوسف دادی تخت و پاکی و تاج
پای اشتر بشکستی از عایشه
دست علی دادی ده شکه (سلاح روسی است)
راه و رسم مسلمة ساختی بی نقاب
نقش زنها را زدی
بیخود در آب
نیست این شرط مردی
تو جفا در حق زنها کردی

تو ملا گفتی از قرآن و خدا
خدا را از انسان کردی جدا
نه در محراب و منبر هر جا
گفتی است
خدایم
بی زبان و چشم و گوش
است با فکر و هوش
صورتش را کس ندید
ایک او هر جا عیان
گر تو این پندار داری از خدا
از چه بر شیطان دادی این بها
او خلق کرده اگر
شیطان
پس چرا محکوم کند انسان
بر چه کردی تو آخوند رذیل

تفسیر کردی قرآن را
بی دلیل
بی دلیل تیر کرد موسی ز نیل
بی منطق از
زن ساختی ذلیل
زن را
نسبت پستی و نیستی دادی
بی دلیل
بر مرد دادی هستی و
منصب خلیل
مقصودت چیست از
عاجزه
نقش زن خشک و

نقش مرد
 تر و تازه
 زور بازوی زن را نادیده
 با کدام دلیل گفتی عاجزه
 کوزه ساز و کوزه گر گردیدی
 ای آخوند خبیث
 از سفالی کوزه ساختی
 خود خریدی و خود فروختی
 بر نام حدیث و آیت
 سر زن تاختی
 مرد را تاج سر
 زن را چشم پت و
 گوشک کر
 بی زر و بی پول
 از فتوای تو نامرد زمان
 بنام کنیز آشکار و عیان
 وقتی که به کابل رسیدند
 گریبان زن دریدند
 از زن سینه بریدند
 سینه زن بر کفش
 خینه گشت
 کفن پیرهنش
 گور خانه اش
 شعار دین طالب
 شلاق و شمشیر
 روی مجاهد و طالب
 چون روی پشک
 تا ناف رسیده گیر (ریش)
 گفتی بزنی بپر
 خوبرویان در بغل گیر
 نترس از منکر و نکیر
 پرسیدند از مجاهد و طالب چرا شده؟
 رویت
 چو قیر
 گفت گرفتم درس از
 آموزگار کبیر! (تره کی)
 کور و دودی و کالی
 جای کور دادم قبر و
 جای دودی دادم مرمی
 جای کالی دادم کفن
 راست پرسی
 چپ و راست برید سر زن
 ساختند

بین زن و مرد
 تو و من
 فرق میان تو و شیطان و مسلمان چیست بگو
 ای ملا؟
 همه را غسل دادی در
 آب گنده
 نمودی بر ریش دین خنده
 کار تو باشد
 وارونه تفسیر
 همه در دام شیطانیت تو گیر
 شیر را گوئی قیر
 قیر را گوئی شیر
 من ندانستم اسرار الله
 بر چه کرده آخوند را بلا
 میگیرم دامن خواجه عبدالله انصار
 می پرسم از خدا این اسرار
 سالها شطرنج خدائی باختی
 پیاده و شاه و وزیر نشناختی
 پیاده را بر اسب سوار و
 چشم پت تاختی
 کشت ناگفته
 ندانستی
 آخر باختی
 نام او ماندی ملا
 از او ساختی بلا
 دوزخ و بهشت گفته
 بر سر ما تاخته
 این سوالات در مغز بیدار است
 نه در رؤیا و خواب
 گر من نادانم
 آرزو دارم جواب
 گفت ملای نادان
 آیتی داریم در قرآن
 نقش زن در آیه ها
 گشته بر آب
 مثلی که
 در ظاهر است نام الله
 نقش بازی میکند ملا
 بر خیز ای خدای توانا
 از خواب
 این سؤالها مانده سالها بی جواب
 نیست کسی گوید حرف برملا
 انصاری مرده و

که کند دعوا با خدا
نقش روح الله
بر آب
عاجزه روح افزا
هم قرآن و هم خدا
در ملک ماست
حرف ملا
نه سواد و نه فرهنگ
خانه شاه بی رنگ
خانه عروس دنگ و دنگ
کسی نشئه از هروئین
کسی نشئه از چرس و بنگ
دولت کرزی است ننگ
سه قوه بی پالان و تنگ
در چور و چپاول هستند زرنگ
سرمه از چشم زنند بی درنگ
تا که باشد آن فرنگ
در وطن باشد جنگ
دموکراسی آب کوبد در اونگ
راست پرسی نقش زن باشد خر لنگ

نوت:

خانه شاه مقصد از ملت بی خبر است و خانه عروس مقصد از ملای مکار که بدل خود ساز دین و مذهب می زند و ملت از نادانی می رقصند.